



سیاست نامه

آرشیو چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۶، شماره ۴۵۰

گفتار ۲-

نوشریعتی تدقیق شریعتی

دکتر حسین مصباحیان (پژوهشگر و استاد فلسفه)

از نظر من نوآوری اصلی سیاوش صفاری در کتاب «فراسوی شریعتی: مدرنیته، جهان وطنی و اسلام در اندیشه سیاسی ایرانی» بحث استعمارزدایی از دانش است. البته عناصر و مولفه های این بحث پیش تر مطرح شده است، اما صورت بندی ای که او انجام داده به یک معنا بدیع است. به این معنا که ما می دانیم استعمار صرف نظر از امپراتوری های قدیمی که ایران و رم و... بودند، در دوره جدید سه شکل جدید پیدا کرده است: ۱- استعمار سنتی که از قرن ۵ تا قرن بیستم ادامه داشت و حمله به منابع طبیعی سرزمین های دیگر با حضور نیروی فیزیکی و ارتش بود: ۲- بعد از جنگ جهانی دوم در نیمه قرن بیستم وارد فرآیند استعمار نو می شویم که ضمن اینکه همچنان هدف حمله به منابع طبیعی یک سرزمین است، اما این امر از طریق سیستم ها و نهادهای حکومتی و موسسات بین المللی مثل بانک جهانی و... انجام می شود: ۳- استعمار فرانو یا نوین که هدف همچنان اقتصاد است، اما این استعمار از طریق دانش صورت می گیرد. این بحث جدیدی در کار آقای صفاری است. یعنی نظام دانش و معرفت وارد فرآیند جدیدی می شود که آن را استعمار از طریق دانش می خوانیم. دومین نکته بدیع و جدید در این امر، تدقیق و دقت بخشیدن به دو بحث است: ۱- دوگانه ذات گرایی فرهنگی و عام گرایی هژمونیک: ۲- سوبرژکتیویته. در مورد نخست صورت مساله روشن است. به این معنا که ما به چه معنا ایرانی و به چه معنا انسانی هستیم. وقتی به خارج از ایران می رویم، می گوئیم ایرانی هستیم. این ایرانی بودن ما به چه معناست و چه نقشی در فلسفه سیاست، فلسفه زندگی و تکنیک دارد؟ آیا ما در این عرصه ها حضور داریم یا خیر؟ به همین دلیل است که ما در بحث عام گرایی یا همه شمولی دو مفهوم داریم: یکی همه شمولی از بالا و دیگری همه شمولی از پایین. ما اگر عام گرایی هژمونیک جهانی را بپذیریم، به نظر می آید که حرفی برای گفتن نداریم و حذف می شویم و گوشی برای شنیدن هم نمی یابیم. دکتر صفاری در این کتاب به این موضوع در اندیشه شریعتی تاکید کرده و نسبت به مباحثی که در گذشته راجع به شریعتی شناسی وجود داشته، تدقیق کرده اند. دقیق به این معنا که در اندیشه شریعتی نه خاص گرایی و نه همه شمول گرایی موجود وجود دارد. بلکه نوعی جهانشمولی از پایین وجود دارد که لازمه اش به صحنه آوردن تمام انسان ها است، مثلا در حوزه ملی ملت ها باید بتوانند با هم بحث کنند. مثلا وقتی آقای دالمایر به ایران آمد، از ایشان پرسیدیم که نظر شما درباره گفت وگویی تمدن ها چیست؟ ایشان در پاسخ گفت: ما از آن سوی دنیا نیامده ایم به اینجا که از طریق شاگردان شرقی مان، اساتید غربی مان را بشناسیم. همه مقالاتی که اینجا دیده ام، این است که هگل این را می گوید، کانت این را می گوید و... ما اینها را می دانیم، ما آمده ایم ببینیم که شما چه می گوئید. بنابراین به نظر آقای صفاری در میانه ذات گرایی خاص و عام گرایی هژمونیک راه سومی وجود دارد که در اندیشه های شریعتی مطرح شده است به این معنا که شرط همه شمول شدن و انسان شدن این است که از دو سطح عبور کنیم، یکی اینکه سوژه به نحو فردی سر بزند و فرد بتواند خودش بیندیشد و دوم اینکه در حوزه فرهنگی بتواند حرفی برای گفتن داشته باشد و گفت وگویی فرهنگ ها و تمدن ها رخ دهد. تا این گفت وگو صورت نگیرد، چنان که شریعتی می گفت، گفت وگو شعاری بیش نیست. دومین مساله ای که تدقیق کردند، مساله سوبرژکتیویته است. کسی که بیش از همه این بحث را مطرح کرده است، فرزین وحدت در کتاب رویارویی ایرانیان با مدرنیته است. او گفته است که سوژه در فکر ایرانیان از پیشقراولان فکری از صدر مشروطیت تاکنون سر زنده است. یعنی تکلیف ایرانیان با سوژه یعنی «می اندیشم» دکارتی، روشن نیست. وحدت این نکته را در اندیشه شریعتی با ارجاع به رساله معبد و سایر آثارش پیگیری کرده است و می گوید شریعتی تمام عناصر مدرن مثل خلاقیت، آزادی و آفرینندگی را برمی شمارد و از طریق انتساب آنها به امر مقدس، بار دیگر از انسان می گیرد و در نتیجه نوعی تسلیم در اندیشه شریعتی هست. آقای صفاری اما معتقد است که به هیچ وجه در اندیشه شریعتی چنین نیست. نزد شریعتی مساله سوژه از مساله شناسی سوژه شروع می شود. شریعتی به هگل ارجاع می

-- انتخاب شماره های اخیر --

آخرین شماره آرشیو

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: الیاس حضرتی

تلفن روزنامه: ۰۲۱-۶۶۱۲۴۰۲۵

سایر عناوین این صفحه پربازدیدهای این شماره

- [مردمسالاری هئوز اتوپیا است](#)
- [شریعتی متفکر سیاسی آری فیلسوف سیاسی نه](#)

روزنامه های عضو

دهد و او را با اقبال لاهوری مقایسه می کند و مشکلات سوژه را شناسایی می کند. سوژه زمانی سوژه است که ابژه ای وجود داشته باشد. به همین خاطر همزمان سوژه رهایی بخش است، سلطه آمیز نیز هست. سوال او این است که چطور می شود وجه سلطه آمیز سوژه را بگیریم و وجه رهایی بخش آن را حفظ کنیم. این بحث در اثر آقای صفاری تدقیق شده است. نکته آخر تاکید آقای صفاری بر تفاوت جریان نوشریعتی با سایر رویکردهای دینی است که تحت عنوان نوشریعتی ها و لیبرالیسم اسلامی در کتاب صورت بندی شده است. واقعیت این است که ما وقتی از یک جریان نام می بریم، بحث هویت، بحث تمایز است.

یعنی وقتی جریانی نام خود را نوشریعتی می خواند، می خواهد تمایزی با سایر جریان هایی که وجود دارند، ایجاد کند و خلئی را پر کند. بنابراین بحث هویت موضوع تمایزات است. مثلا وقتی می گوئیم روشنفکر دینی موظف است که این صفت دینی را توضیح دهد و نشان دهد که با بدنه روشنفکری چه فرقی دارد. به نظر من این تمایز در حوزه روشنفکری دینی صورت نگرفته است. در داخل این سنت روشنفکری دینی جریان نوشریعتی که می خواهد خود را متمایز کند، باید بتواند تمایزات خود را روشن کند. از نظر آقای صفاری، جریان نوشریعتی به دلیل تاکید بر مردمسالاری، اندیشه عدالت طلبانه و تعمیق آزادی های سیاسی از سطح فردی به حوزه اجتماعی از نمایندگان لیبرالیسم اسلامی که آقای سروش و دیگران هستند، متفاوت و متمایز می شود و به یک معنا یکه می شود، یعنی تعمیق حقوق سیاسی و اجتماعی در جریانات مختلف روشنفکری دینی کمتر دیده می شود اما در شریعتی هست و نوشریعتی ها آن را تعمیق می کنند.

□

نوشته های دیگری از «دکتر حسین مصباحیان»

[نگریستن به خود از منظر دیگری](#) / «برآمد» سمپوزیوم های طرح

افکنی نوشریعتی و خویشتن

روزنامه اعتماد، سه شنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۹

[دانشگاه ما نهاد تولید علم نیست](#)

روزنامه اعتماد، پنجشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۹

[ارج شناسی یک وارث](#)

روزنامه اعتماد، شنبه ۲۶ بهمن ۱۳۹۸

[اصلاح انقلابی و ابداع خویشتن](#) / نوشریعتی چیست؟

روزنامه اعتماد، دوشنبه ۱ بهمن ۱۳۹۷

[شایگان راست می گفت امام الله](#) / امکان نقد فلسفی افکار شایگان

روزنامه ایران، شنبه ۱۸ فروردین ۱۳۹۷

[عناوین بیشتر...](#)



دکتر حسین مصباحیان

استادیار



تمامی خدمات پایگاه magiran.com، حسب مورد دارای مجوزهای لازم از مراجع مربوطه می باشند و فعالیت های این سایت تابع قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران است